

حسن اسماعیلی، ۵۰ سال خاطره در محله امام خمینی (ره) را روایت می‌کند

زنگ ورزش در ترمینال

محله‌گردی

ایستگاه اول

نجمه موسوی زاده از پنج سالگی تا الان که ۵۴ سال از خدا عمر گرفته ساکن محله امام خمینی (ع) بوده است. بارها بستگان نزدیکش او را تشویق کرده‌اند تا خانه و زندگی‌اش را به محله دیگری نزد آن‌ها ببرد اما او نمی‌تواند از محله‌ای که در آن خاطرات زیادی دارد، دل بکند. حسن اسماعیلی بازنشسته یکی از کارخانه‌های تولید خودروست و چند سالی است به عنوان فعال فرهنگی محله‌اش فعالیت می‌کند.



سال ۱۳۵۴، پدرم زمینی در کوچه امام خمینی ۸۵ خرید و آن را ساخت و ما از خیابان امام رضا (ع) به این خانه نقل مکان کردیم. آن زمان خیابان کشی فقط در کوچه‌های زوج امام خمینی (ع) یعنی به سمت خیابان امام رضا (ع) انجام شده بود و سمت دیگر خیابان، بیابان و پادگان بود.

ایستگاه دوم

انتهای کوچه خانه پدری ام پادگان ارتش بود. آن زمان اطراف پادگان دیوارکشی نبود و تنها با چند سیم خاردار، فضا را محدود کرده بودند. نزدیک پیروزی انقلاب اسلامی، با بلندگواز داخل پادگان هشدار می‌دادند که کسی سرش را از پنجره بیرون نیاورد. خطر تیراندازی واقعی و ملموس بود.



ایستگاه سوم

ایستگاه چهارم

کلاس اول به دبستان تدین در خیابان لملم خمینی ۸۰ می‌رفتم. آن ساختمان سال‌هاست خراب و تبدیل به آپارتمان شده است. به دلیل شلوغی‌های قبل انقلاب و حکومت نظامی، تنها دو ماه در کلاس درس حاضر شدیم؛ آخر سال هم امتحان دادیم و به پایه بعد رفتیم.



ایستگاه پنجم

ترمینال یا پایانه مسافربری امام رضا (ع) زمان بچگی ام یک زمین خاکی بود. چون مدرسه جایی برای ورزش نداشت، زنگ‌های ورزش ما را به اینجای آوردند تا فوتبال بازی کنیم. بعداً برخی بچه‌های محله تیم فوتبال تشکیل دادند و آنجا مسابقه می‌دادند.



ایستگاه ششم

از کودکی همراه پدرم به مسجد المهدی (ع) نزدیک خانه می‌رفتم و مکبر مسجد بودم. چهارده ساله که شدم، شناسنامه ام را دست کاری کردم و از همین مسجد عازم جبهه شدم.



رسول سروری یکی از نانوایان قدیمی محله است. او سومین نسل خانواده‌اش است که از سال ۱۳۶۵ تاکنون نانوايي را حفظ کرده‌اند و نان باکیفیت دست مردم می‌دهند. همیشه نان خانه را از او می‌خرم.



عکس: نجمه موسوی زاده / شهرآرا